

استقلال و آزادی دانشگاه

قلب سیاست امنیت ملی



کیومرت اشتریان

مطالعات سیاست‌های عمومی نشان می‌دهد نوآوری در قلب سیاست‌های امنیت ملی قرار دارد و آزادی استادان و پژوهشگران، رویکردی اساسی برای توسعه نوآوری‌های علمی است. در اسناد و سخنرانی‌های رسمی آمریکا، نوآوری اغلب به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای حفظ برتری استراتژیک ایالات متحده در جهان مطرح شده است.

در نوشتاری پیش از این گفتیم که فعالیت‌های سیاسی استادان دانشگاه مستلزم توانایی یک استاد در برقراری ارتباط با حوزه‌های گوناگون دانشی است. این توانایی در واقع یک مهارت متدلوژیک در مدیریت دانش است؛ یعنی یک استاد بتواند دانش‌های گوناگون را با دانش تخصصی خویش تلفیق و یکپارچه کند تا بتواند پیشنهادی سیاستی ارائه کند. تفصیل این معنا در یک مقاله روزنامه‌ای نیست و خواننده را به متون مدیریت دانش و مطالعات میان‌رشته‌ای می‌دهم.

اما امروز ساحت دیگری از فعالیت‌های سیاسی استادان دانشگاه را بررسی می‌کنیم و آن آزادی و استقلال «آکادمیک» است. دانشگاه با نوآوری عجین است و این ممکن نمی‌شود مگر آنکه استادان و پژوهشگران از امنیت روانی لازم و از استقلال عمل کافی برخوردار باشند. آزادی و استقلال مهم‌ترین ابزار نرم برای رشد علم و دانش است و هرگونه محدودیت غیرضرور بر آن برای کشور خسران به بار می‌آورد. اعمال محدودیت و افزایش نظارت‌های سیاسی-امنیتی در دانشگاه خدمت به کشور نیست و بلکه به محیط نوآوری و توسعه فعالیت‌های علمی آسیب می‌زند. منفعت خلق در آن است که حاکم به صبوری و رواداری بر اندیشمندان طاقت ورزد. امروزه تعامل جهانی بخش جدایی‌ناپذیری از رشد علمی است. اگر عقب بمانیم، معلوم نیست چگونه بتوانیم فرصت‌های تاریخی را دوباره به چنگ آوریم. همه دانش‌ها و علوم در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات منتشره نیست، بلکه بخش مهمی از دانش بشری، «دانش

ضمنی» (tacit knowledge) است. این دانش از طریق تعاملات رودرویی پژوهشگران انتقال می‌یابد. انتقال دانش و تکنولوژی یک اختیار نیست، بلکه یک اجبار است که در سایه آزادی رفت‌وآمد علمی پدید می‌آید. باید به دانشمندان خود اعتماد کنیم. رویکردهای گوناگونی در ادبیات تخصصی برای توسعه نوآوری وجود دارد که شاید مهم‌ترین آنها «نوآوری باز» (open innovation) است که در سایه ارتباطات باز و آزاد، استقلال دانشگاه و آزادی کارشناسی پدیدار می‌شود. اغلب استادان به خودی خود علاقه‌ای به فعالیت سیاسی ندارند؛ حوزه‌ای کاری برای خود تعریف کرده و سرگرم آن هستند. کشاندن ملاحظات سیاست‌به این حوزه و اعمال قدرت ناپجا، همه چیز را سیاسی می‌کند و امنیت روانی لازم را برای نوآوری برهم می‌زند. اینکه یک استاد (به‌ویژه استاد جوان) درگیر گزینش‌های ادواری باشند که ارتباطی با کارهای علمی آنان نداشته باشد، امنیت روانی را از آنان سلب می‌کند. اینکه استادان (و حتی وزارت علوم) نتوانند با فراغ بال مدیریت گروه‌های آموزشی یا مدیریت دانشکده خود را انتخاب کنند و منتظر استعلام‌های گوناگون بشوند و در نهایت «کسان دیگر» مدیر انتخابی را تأیید یا رد صلاحیت کنند، برای کشور، برای نظام سیاسی و برای نوآوری‌های علمی خطرناک است؛ به‌ویژه آنکه این اعمال نفوذها اغلب آلوده رقابت‌ها و حسادت‌های صنفی-حاکمی است و حقیقتاً ربطی به مبانی ارزشی ندارد. دلخوشی شماری اندک از این اعمال نفوذها به قیمت قهقاری علمی تمام می‌شود. تصور کنید استاد جوانی را که در دهه چهارم یا پنجم زندگی است. تمام «پل‌های» درآمذایی در بازار آزاد را پشت سر خویش خراب کرده است. اینک تنها سرمایه‌ای که برای خود و خانواده‌اش دارد، همین تحقیق و تدریس است. چگونه می‌تواند از سبویی نظر به تحقیقات علمی داشته باشد و از سوی دیگر دل‌نگران امنیت شغلی‌اش باشد، چراکه فعالیت حرفه‌ای‌اش دائم در خطر رقابت‌های صنفی و بهانه‌های سیاسی است؟ همه تلاش ما باید معطوف به فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های علمی استادان و پژوهشگران جوان باشد، نه اینکه دائم دل و جان آنها را به لرزه سیاسی درآوریم. محدودیت ارتباطات جهانی علمی برای استادان و پژوهشگران ایرانی خسران دیگری است که حقیقتاً خطری

برای امنیت ملی است. بنای تاریخی علم بر همکاری‌های جهانی استوار است.

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
۱۱ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۰۶
۳۰ هزار تومان
۱۶ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: طناب‌کشی بر سر «تنوع زیستی» • دوئل چهارم برای تصاحب لالیگا • «شرق» از فشار آمریکا بر سلب حق غنی‌سازی ایران گزارش می‌دهد؛ دور چهارم، دور آخر؟

سفر عراقچی به ریاض و دوحه در راستای تحرکات دیپلماتیک در آستانه مذاکرات مسقط

پیام تهران به منطقه

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



گزارش میدانی «شرق»

۱۵ روز پس از انفجار در بندرعباس از قبرستان و عزاداران

از بندر تا «باغو»

یادداشت

افزایش اختیارات استان‌ها؛ خیلی دور، خیلی نزدیک



امیرنامینی

چگونگی ارتباط آنها با مسئولان دستگاه‌های اجرائی بازمی‌گردد و دومی هم به اصلاحیه واردشده بر این مقررہ در دولت سیزدهم و

سال ۱۴۰۲. آیین‌نامه اخیر هرچند ۷۲ وظیفه را برای استانداران پیش‌بینی کرده است، اما این مهم نتوانسته حکمرانی توسعه و مدیریت استان‌ها را کارآمد و اثربخش کند. تحقق توسعه ملی بی‌شک نیازمند استقرار یک دولت توسعه‌گرا در استانداردهای بین‌المللی آن است. بازآفرینی نهاد دولت و تقاهم و اجماع بر سر حدود و ثغور دولت و تنظیم روابط آن با بخش غیردولتی در اقتصاد کشور به منظور به میدان آوردن همه قابلیت‌ها و فرصت‌های فراوی توسعه در کشور، یکی از پیش‌شرط‌های جدی توسعه‌یابی کشور است؛ موضوعی که بدون شک از درون تحول‌گذار از نظام متمرکز ملی (تک‌سطحی) به نظام نیمه‌متمرکز ملی-استانی (دو-سطحی) و ملی-استانی-محلی (سه‌سطحی) محقق می‌شود. از همین رو است که دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور، در هشت ماه اخیر به‌طور مکرر بر ضرورت اصلاح بنیادین نگرش‌ها و بایسته‌های حکمرانی توسعه ملی و اصلاح‌دادن به «استان‌ها» و به‌ویژه «استانداران» به‌عنوان نمایندگان عالی دولت در راهبری توسعه استانی و فعال‌سازی و مولدسازی منابع و ظرفیت‌ها تأکید دارند. این کار واقعیت‌انگارنشدنی است که امروز استانداران در راهبری توسعه استان‌ها، نقش جایگاه و اختیارات لازم را ندارند و اساساً تناسبی میان نظام مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در توسعه استان‌ها چه میان سطح ملی با استانی و چه در درون استان میان استاندار، شورای برنامه‌ریزی و توسعه و استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنها» و

۵ صفحه ادامه‌در ۱۱

واژه ناترازی از نظر مسئولان و سخنوران عنوانی جدید برای کاستی‌ها و نارسایی‌های بلندمدت است و ظاهراً بناست شهروندان

و ترمیم نارسایی‌ها در راه است. اما ااین واژه برای عامه مردم یادآور شیوه‌ای از زیستن با انواع کمبودها و محدودیت‌هاست. به بیان دیگر اگر مسئولان چند وقتی است که با مرور گزارشات کارشناسی به وجود ناترازی‌ها پی برده‌اند، عامه مردم که دسترسی به امتیازات رانتی ندارند، چندین دهه است که با این پدیده زندگی کرده و ابداع شیوه زیستی منحصربه‌فرد را با عنوان «هنر زیستن با ناترازی‌ها» به نام خود به ثبت رسانده‌اند. اما به‌راستی علت‌بجور این همه ناترازی آزاردهنده چیست؟ این پرسش و پاسخ آن از این جهت دارای اهمیت هستند که برخی جریان‌های سیاسی تمایل شدیدی به دادن آدرس غلط در این‌گونه موارد دارند و افکار عمومی این کار را با اسم رمز مقصر تلقی‌کردن خلبان یا راننده اتوبوس البته در صورتی‌که فوت کرده باشند، یا حامیان قدرتمندی نداشته باشند، شناسایی کرده است. برای درک بهتر صورت‌مسئله کافی است به مثالی از عالم واقع توجه کنیم؛ ساختمان بسیاری از مدارس فرسوده و مستهلک است و مولدسازی منابع و ظرفیت‌ها تأکید دارند. آیا مقصر وزیر فعلی و وزرای قبلی هستند که برای دریافت بودجه کافی اقدام نکردند، یا نظام نامعقول تخصیص بودجه عمومی است که بیشترین رشد سالانه را به بودجه نهادی مثل صداوسیما یا مؤسسات غیردولتی مدعی فعالیت در حوزه فرهنگ داده و بودجه دستگاه‌های دولتی متولی امور رفاهی کشور را با صرفه‌جویی بسیار تعیین می‌کند؟ هرچند وزرای مورد اشاره نیز سهمی در



ناصرذاکری

ناترازی‌ها و دیوار بلند مسببان اصلی

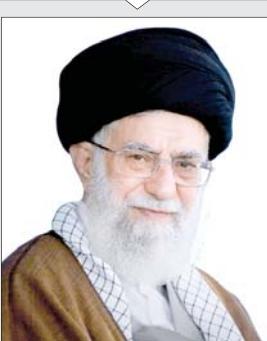
کاستی‌های موجود دارند، اما آیا مقصر تلقی‌کردن آنان بدون توجه به این واقعیت، نوعی آدرس غلط دادن با هدف فریب افکار عمومی نیست؟ درواقع در همه پرونده‌های مردم از همه کوتاه‌تر است و می‌توان آنان را سرزنش کرد که آب را هدر می‌دهند. اما هرگز از مسئولانی که با بی‌تدبیری حیرانگیز خود مرزهای کشور را به روی مهاجران کشور همسایه گشودند تا چندین میلیون مصرف‌کننده دیگر بر سر سفره محقر آب‌های زیرزمینی کشور بنشینند، نباید انتقاد کرد زیرا دیوارشان بلندتر از دیوار مردم است. همچنین آن مسئول بی‌مسئولیتی

که حفر چاه غیرمجاز را با فضیلت دانست و کشاورزان را تشویق کرد که تا می‌توانند چاه بکنند و آب برداشت کنند و دشت‌های کشور را گرفتار بحران کنند، در پناه دیوار بلند برج مشیدهداش از هر انتقادی مصون است. در پرونده ناترازی برق هم لایذ مقصر اصلی آن مدیری است که به‌موقع سوخت نخریده و ذخیره نکرده و آن مقام دلاوری که با سخنرانی‌های پرشور خود در نشست‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای کشور را گرفتار قطع‌نامه‌های شورای امنیت کرد و در نهایت از درآمد نفتی خود برای سالیان طولانی محروم کرد، تا با این محرومیت کشور امکان سرمایه‌گذاری برای بازسازی نیروگاه‌های فرسوده و ایجاد نیروگاه‌های جدید را از دست بدهد...

۵ صفحه ادامه‌در ۱۱

در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور

پشتیبانی تمام‌قد رهبر انقلاب از جامعه کارگری



برگزیده‌ها

پرونده ویژه در سوگ شیوا ارسطویی

وحشت از قصه‌های زنان

۱۴ و ۱۵

اهم سخنان وزیر کار در دیدار کارگران با رهبر انقلاب

کارگران موتور محرک سیاست‌گذاری

۳

درحالی‌که دولت نرخ سوخت هواپیما را ۲۴ برابر کرده است، مانع از افزایش قیمت بلیت می‌شود

صنعت هوایی گرفتار قیمت‌گذاری دستوری

۴

آتش بس ۳۰ روزه میان اوکراین و روسیه در دسترس‌تر از همیشه است

اروپایی‌ها آستین بالا زدند

۵

توافق آتش بس در کشمیر

۵

نگاه

شرکت ملی نفت ایران و BP

از سرنوشت مشترک تا انکار برادری

یادداشتی از مهدی افشارنیک

۷

یادداشت

تنوع زیستی یا تمتع زیستی؟^(۱)



ارشک‌حلی‌ساز*

الحاق به معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، راهی برای ورود و تعامل با کشورها و اعلام همبستگی با آنهاست. با پذیرش کنوانسیون‌ها، یک کشور خیال کشورهای دیگر را راحت می‌کند که درخصوص موضوع کنوانسیون با آنها همراه است. این سازوکار در کشور ما بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی انجام می‌شود و با تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور، دولت جمهوری اسلامی ایران پایبند به تعهدات کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌شود. «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی‌های بین‌المللی» مصوب ۱۳۷۱ کنوانسیون با هر گاه نهاد مرتبط با موضوع کنوانسیون باشند، هیئت وزیران می‌تواند ترکیبی از این نهادها را انتخاب کند. اخیراً درخصوص نهاد مسئول «کنوانسیون تنوع زیستی» بحث‌های جدیدی در گرفته است. پس از تصویب کنوانسیون تنوع زیستی در ۱۹۹۲، مجلس شورای اسلامی الحاق کشور به این کنوانسیون را در سال ۱۳۷۵ تصویب کرد.

۵ صفحه ادامه‌در ۵



مفتخریم به دوستی و دیدار شما

انتشارات «کتاب شرق» میزبان شماست
در نمایشگاه کتاب تهران

راهروی ۱۸ غرفه ۲۰



۵ صفحه ادامه‌در ۵